

Jurisdictional and Legislative Scope of the Compensation System for Unjustified Detention in Iranian and French Law

1. Ali Rezaei: PhD Student in Private Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran
2. Mozafar Bashokoh*: Assistant Professor, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. Email: m.bashokouh39@gmail.com (Corresponding Author)
3. Jafar Salmanzadeh: Assistant Professor, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

ABSTRACT

One of the most important powers that judicial authorities hold in the fight against crime is the right to detain suspects and accused individuals. It is possible that the final outcome of criminal proceedings may result in acquittal or dismissal of charges against an individual. The damages incurred by the suspect or accused person are issues that require discussion and analysis. Therefore, the aim of this article is to examine the doctrinal and legislative scope of the compensation system for unjustified and unlawful detention in Iranian and French law. This article is descriptive-analytical, employing a library research method to explore the subject in question. Findings suggest that, in Islamic jurisprudence, compensation for the harm inflicted on the victim is accepted. At the same time, the legislative scope for compensating unjustified detention in Iranian law can be found in the regulations of the Civil Procedure Code, the Civil Liability Law, and other laws such as the Islamic Penal Code and specific regulations, as well as judicial precedents. In French law, compensation is studied within the framework of civil laws and the doctrine of judicial liability for temporary detention. The conclusion is that the legislative scope of compensation for temporary detention in Iranian and French law can be found across various laws, judicial precedents, and legal doctrines. In both legal systems, such damages are compensable by the state, although the laws of both countries have acted differently under certain circumstances.

Keywords: *Temporary detention, judicial error, fault, compensation.*

How to cite: Rezaei, A., Bashokoh, M., & Salmanzadeh, J. (2025). Jurisdictional and Legislative Scope of the Compensation System for Unjustified Detention in Iranian and French Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 160-172.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 December 2024
Revise Date: 23 January 2025
Accept Date: 29 January 2025
Publish Date: 25 March 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

قلمروی فقهی و تقنینی نظام جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه در حقوق ایران و فرانسه

۱. علی رضایی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
۲. مظفر باشکوه*: استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. پست الکترونیک: m.bashokouh39@gmail.com
۳. جعفر سلمان زاده: استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین اختیاراتی که مقامات قضایی در جهت مبارزه با جرم برعهده دارند، حق بازداشت مظنونان و متهمان است. این امکان وجود دارد که روند نهایی دادرسی کیفری منتهی به براءت یا منع تعقیب فرد شود. خسارت وارد شده به فرد مظنون و متهم از مسائلی است که نیازمند بحث و بررسی است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی قلمرو فقهی و تقنینی نظام جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه و غیرقانونی در حقوق ایران و فرانسه است. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در فقه، جبران خسارت وارده به زیان‌دیده، پذیرفته شده است. در همین حال، قلمرو تقنینی جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه در حقوق ایران را می‌توان در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مسئولیت مدنی و سایر قوانین همچون قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه‌های خاص و همچنین رویه قضایی مورد مطالعه قرار داد و در حقوق فرانسه نیز در قوانین مدنی و دکترین حقوقی مسئولیت مدنی مقامات قضایی در بازداشت موقت مورد مطالعه می‌باشد. نتیجه اینکه، قلمرو تقنینی موضوع جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه را می‌توان در قوانین مختلف و رویه قضایی و دکترین حقوقی مورد مطالعه قرار داد که در هر دو نظام حقوقی، اینگونه خسارات از سوی دولت قابل جبران است اما در برخی شرایط قوانین هر دو کشور، متفاوت عمل کرده است.

واژگان کلیدی: بازداشت موقت، اشتباه قاضی، تقصیر، جبران خسارت.

نحوه استناددهی: رضایی، علی، باشکوه، مظفر. و سلمان‌زاده، جعفر. (۱۴۰۴). قلمروی فقهی و تقنینی نظام جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۱)، ۱۷۲-۱۶۰.

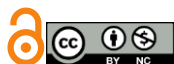
© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۶ فروردین ۱۴۰۴



اصل برائت یکی از اصول پذیرفته شده و از مولفه‌های امنیت قضایی است که به منظور حفظ نظم اجتماع و کرامت انسان‌ها مورد تاکید است. ددوات‌ها در عین تعهد به رعایت این اصل، مسئول حفظ آرامش مردم و جلوگیری از ایجاد اختلال در نظم جامعه است و به همین دلیل نیز حق بازداشت افرادی که در معرض اتهام قرار می‌گیرند را دارد. علی‌رغم اصل برائت به منظور حفظ نظم اجتماع، همانگونه که دولت مسئول حفظ آرامش مردم و جلوگیری از ایجاد اختلال در نظم جامعه است، به همان اندازه نیز حق بازداشت افرادی که در معرض اتهام قرار می‌گیرند را دارد. مسئله اینجاست که اگر مبدأ مشخص شود فرد مظنون و متهم بی‌گناه بوده و بازداشت وی ناموجه و غیرقانونی بوده، تکلیف خسارت ماد یو معنوی وارده بر وی چیست؟ بررسی این مسئله به خصوص به صورت تطبیقی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. بررسی تطبیقی موضوع مورد اشاره، درک دقیق‌تری از رویکرد فقه و حقوق کیفر یایران نسبت به جبران خسارت بازداشت غیرقانونی ایجاد می‌کند. در همین راستا در دهه‌های اخیر در نظام‌های مختلف کیفری از جمله فرانسه (از سال ۱۹۷۰ میلادی) و ایران (از سال ۱۳۹۲ شمسی) این حق به رسمیت شناخته و جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی‌گناه وارد قوانین آیین دادرسی این دو کشور شد (Moghaddasi & Rezaghali Zadeh, 2018). لازم به ذکر است که با وجود مطالعاتی که در این رابطه در اثنای پژوهش انجام می‌دهیم با محدودیت‌هایی چون عدم دسترسی به منابع و رویه قضایی جدید در رابطه با جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه روبرو می‌باشیم و از سوی دیگر به دلیل میان رشته‌ای بودن جبران خسارت در بازداشت اشخاص که موضوع حقوقی و کیفری می‌باشد با دشواری تطبیق مطالب در برخی موارد همراه بوده است. به طور کلی در پژوهش پیش رو به بررسی قلمرو خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه پرداخته می‌شود.

۱. قلمرو فقهی و تقنینی نظام جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق ایران

جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق ایران را می‌توان در دو قلمرو فقهی و حقوقی، ذیلاً مورد مطالعه قرار داد.

۱-۱. قلمرو فقهی

نظر به این که قاضی بر جان، مال، عرض و ناموس مردم حاکم است، اشتباه قاضی به لحاظ خسارات غیر قابل جبرانی که در بازداشت موقت که ممکن است به بار آورد، همزمان با تشریح قضا مورد توجه ائمه معصومین «ع» بوده است. در احادیث منقول از ائمه، اشتباه قاضی به شدت مذمت شده است و حتی در حد کفر شمرده شده است (Horr Amili, 1988). به دلیل اهمیت موضوع، در احادیث و کتاب‌های فقهی طرق گوناگونی برای جلوگیری از اشتباهات قضات پیش بینی شده است. در بحث آداب القضاء، حضور اهل علم در دادگاه، برای اینکه اشتباهات را به قاضی تذکر دهد مستحب دانسته شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۰: ۷۷). دلیل این کار احتیاط در اعراض و اموال و حقوق مردم اعلام شده است. دادرسی در حال غضب، گرسنگی، تشنگی، غم، شادی، خواب آلود بودن و خلاصه هر امری که باعث می‌شود هوش و حواس قاضی به قضاوت نباشد، مکروه است (Najafi, 1981). صاحب جواهر در تعلیل کرامت قضاوت در حال غضب می‌گوید: «لما فيه من المخاطره فی الوقوع فی الخطامه» (Najafi, 1981)؛ یعنی چون در حال غضب خطر افتادن در اشتباه وجود دارد، قضاوت در آن حال مکروه است و ادامه می‌فرماید: اگر کسی معصوم از اشتباه باشد، می‌تواند در یکی از این حالات «غضب، گرسنگی و...» قضاوت کند و بعد قضاوت پیامبر در حال غضب در دعوی بین زبیر و یکی از انصار را نقل می‌کند. به طور کلی قواعدی چون قاعده لاضرر، تسبیب، احترام و... نیز در راستای

مسئولیت مدنی مقامات قضایی در بازداشت موقت یا به اشتباه مورد بررسی قرار گرفته است. در این خصوص قاعده لاضرر، ورود هر گونه ضرر را به اشخاص قابل جبران می‌داند و ضرر حادث شده می‌تواند هر نوع ضرری را در بر دارد.

۱-۲. قلمرو تقنینی

در این قسمت با عنوان قلمرو تقنینی، با مسئولیت مدنی قضاتی آشنا خواهیم شد که در مرحله‌ی مقدماتی و یا دادرسی اشخاصی را بازداشت نموده‌اند که منتج به صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب گردیده است.^۱ قانونگذار، جبران خسارت ناشی از سلب آزادی متهمان بی گناه بازداشت شده (نه محکومان) را پیش بینی نموده و برای یکی از مصادیق احتمالی اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرراتی وضع نموده است (Khaleqi, 2014).

«کسانی که حق جبران خسارت بر اساس این ماده را دارند باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی «بازداشت» شده باشند. منظور از این بازداشت، سلب آزادی متهم است، اعم از اینکه این امر در اثر صدور قرار بازداشت موقت باشد یا قرارهای تأمین منجر به بازداشت؛ حتی می‌توان بر این اعتقاد بود که حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز می‌شود. برای همراهی با این نظر، می‌توان به تبصره ماده ۵۱۵ که چند ساعت تحت نظر قرار گرفتن متهم را نیز موجب کاستن یک روز از مدت حبس مقرر در حکم محکومیت او دانسته است» (Najafi, 1981). «بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آن‌ها منتهی به صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب شده و با توجه به ماده ۲۵۷، این حکم یا قرار، قطعی هم شده باشد. بنابراین، اولاً، از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم براءت یا قرار منع تعقیب صادر نمی‌شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ نمی‌توانند بر اساس ماده فوق مطالبه خسارت کنند. ثانیاً، اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم، وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است» (Najafi, 1981). قوانین و مقررات مربوط به اشتباه قاضی را می‌توان در سه دسته قرار داد. دسته اول، قوانین مربوط به اشتباهات قلمی که نیاز به نقض و رسیدگی مجدد ندارد. دسته دوم و سوم قوانینی هستند که اشتباهاتی را که موجب نقض حکم می‌شوند. بیان می‌کند، اما دسته دوم در حال حاضر ملغی اعلام شده است و دسته سوم معتبر هستند. حکم اشتباهات قلمی در فصل اول توضیح داده شده است، در این بخش قوانین دسته سوم کاملاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. امام خمینی در مسأله هشتم کتاب القضاء در تحریر الوسیله می‌فرماید: «اگر طرفین دعوی، شکایت خود را نزد فقیه جامع شرایط ببرند و ایشان به دعوی رسیدگی کند و طبق موازین قضا حکم دهد، طرفین دعوی نمی‌توانند دوباره شکایت خود را نزد قاضی دیگر ببرند و قاضی دوم هم نمی‌تواند، شکایت آن‌ها را مورد رسیدگی قرار دهد و حکم را نقض کند و حتی اگر طرفین دعوی هم به این رضایت دهند باز هم جایز نیست. بله اگر یکی از طرفین دعوی مدعی شد که قاضی دارای شرایط لازم نبوده مثلاً مدعی شد، قاضی فاقد وصف اجتهاد یا عدالت بوده، دعوای او استماع می‌شود و قاضی دیگر می‌تواند در حکم صادره تجدیدنظر کند و اگر عدم صلاحیت قاضی ثابت شد حکم را نقض می‌کند، همانطور که اگر حکم با احکام ضروری فقه مغایر باشد، به طوری که اگر خود قاضی صادرکننده حکم هم توجه کند از حکم خود بر می‌گردد، در این حالت می‌توان حکم را نقض کرد ولی در امر نظری و اجتهادی نمی‌توان حکم را نقض نمود» (Mousavi Khomeini, 1989).

^۱ ماده‌ی ۲۵۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند».

«همانطور که ملاحظه می‌شود در فتوای ایشان، به این نکته تصریح شده است که «چنانچه قاضی جامع شرایط نسبت به دعوایی حکم قطعی بنماید، مجرد درخواست رجوع و نقض حکم از سوی متخاصمین، موجب ایجاد حق در رجوع به قاضی دیگر نبوده و قاضی دیگر نیز حق رسیدگی مجدد و نقض حکم قاضی اول را ندارد. شورای عالی قضایی دو مورد استثنای یاد شده را همراه با موادی دیگر، در سال ۱۳۶۱ به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد نمود که مجلس نیز، آن را به تصویب رساند» (Marashi, 1994). به عبارت دیگر شورای عالی قضایی و کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، از فتوای امام خمینی این برداشت را کرده‌اند که تجدیدنظر در حکم قاضی جز در مورد اشتباه قاضی و ادعای عدم صلاحیت او جائز نیست، لذا با عنایت به این برداشت باب تجدیدنظر را مسدود کرده و احکام دادگاه‌های بدوی را به جز موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قطعی و غیر قابل تجدیدنظر دانستند (Marashi, 1994).

به طور کلی، «امروزه بسیاری از کشورها، جبران خسارت افرادی را که در بازداشت یا زندانی بوده و بعدها بی‌گناه شناخته شده و برائت حاصل کرده‌اند، پذیرفته‌اند. در مورد متهمانی هم که با صدور قرار منع تعقیب، بعد از مدتی بازداشت و مرخص می‌شوند، بعضی جبران خسارت را به صرف صدور قرار منع تعقیب پذیرفته و برخی نیز جبران خسارت را در این قبیل موارد، منوط به تأیید بی‌گناهی از سوی دادرسی یا بازپرس یا دادیار دانسته‌اند. توضیح این که چه متهمانی که واقعاً بی‌گناهند و چه آنانی که به علت پیچیدگی واقعه مجرمانه و یا فقد دلیل، قرار منع تعقیب درباره آن‌ها صادر شده هر دو مرخص و آزاد می‌شوند و از این لحاظ، نتیجه برای آنان یکی است. حدود مسئله را می‌توان در قوانین آیین دادرسی کیفری و اساسی مورد مطالعه قرار داد» (Khaleqi, 2014). اصل ۱۷۱ قانون اساسی، که در خصوص اشتباه و تقصیر قاضی می‌باشد، بیان می‌دارد: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز، در صورت بازداشت اشتباه متهم این گونه جبران خسارت پیش بینی شده است و شمول جبران خسارت از سوی دولت و یا رجوع دولت پس از جبران خسارت به مقصر اصلی (بر اثر شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی) طبق ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ امکان پذیر خواهد بود. لازم به ذکر است که رجوع به مقصر اصلی از سوی دولت در فرض مسئولیت دولت در اصل ۱۷۱ قانون اساسی پیش بینی نگردیده است. «با این حال کسانی که حق جبران خسارت بر اساس ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری را دارند باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی «بازداشت» شده باشند. منظور از این بازداشت، سلب آزادی متهم است، اعم از اینکه این امر در اثر صدور قرار بازداشت موقت باشد یا قرارهای تأمین منجر به بازداشت. حتی می‌توان بر این اعتقاد بود که حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز می‌شود. برای همراهی با این نظر، می‌توان به تبصره ماده ۵۱۵ که چند ساعت تحت نظر قرار گرفتن متهم را نیز موجب کاستن یک روز از مدت حبس مقرر در حکم محکومیت او دانسته است، اشاره نمود» (Khaleqi, 2014). «با توجه به این موضوعات در اجرای ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت، به تصویب رسیده است. طبق ماده ۱۲ آیین نامه مزبور، کمیسیون ذریبط به نوبت به پرونده‌های مطروحه رسیدگی نموده و در صورت نیاز دستور تعیین وقت و دعوت از متقاضی و نماینده صندوق را صادر می‌کند. عدم حضور آنان مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌باشد. در خصوص جبران خسارت ناشی از بازداشت می‌توان به جنبه‌های مجهول و مبهمی که در قانون وجود دارد اشاره داشت؛ بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آن‌ها منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب شده، و با توجه به ماده ۲۵۷، این حکم یا

قرار، قطعی هم شده باشد. بنابراین، اولاً، از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم براءت یا قرار منع تعقیب صادر نمی‌شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ نمی‌توانند بر اساس ماده فوق مطالبه خسارت کنند. ثانیاً، اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم، وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است» (Shaigan & Ashuri, 2018). یکی از خلاءهای مهم قانونی در قانون سابق، در خصوص جبران خسارات افرادی بود که ناروا بازداشت شده بودند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ یکی از دستاوردهای ضروری خود را در این ماده بروز داده است.

مطابق ماده ۲۵۵ ق آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را مطالبه نمایند». «مفاد این ماده رأی تعلق حق جبران خسارت، دو شرط را تعیین کرده است. اول این که این افراد باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشند. بر اساس این شرط، تحقق بازداشت کافی است و لزومی ندارد که این مسئله حتماً به موجب قرار بازداشت موقت اتفاق افتاده باشد. بلکه گاه، بازداشت متهم نتیجه صدور قرارهای دیگر یعنی وثیقه و کفالت و عدم معرفی کفیل یا وثیقه از سوی متهم است» (Sadeghi Ziazi & Ebrahimi Manesh, 2014). «دومین شرطی که از متن ماده قانونی برداشت می‌شود، ضرورت صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب برای بازداشت شدگان است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که به محض صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب، حق جبران خسارت برای افراد بازداشت شده ایجاد می‌شود. با این حال مواد قانونی بعدی چنین برداشتی را تأیید نمی‌کنند. چرا که در ماده ۲۵۷ و در مقام بیان شرایط شکلی تقاضای جبران خسارت، قانون گذار کاملاً بحق و منطقی، حکم قطعی بی گناهی را لازم دانسته است. بدین ترتیب حکم بدوی براءت یا منع تعقیب غیر قطعی، افراد بازداشت شده را شایسته جبران خسارت نمی‌سازد» (Yazdanian, 2015). مفاد این ماده را نباید با مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ از یک سو و مفاد ماده ۲۵۰ قانون حاضر از سوی دیگر خلط نمود. «چرا که مفاد این ماده مربوط به حالتی است که هم صادر کننده قرار و هم قرار صادره، قانونی است و اصل تناسب قرار نیز رعایت گردیده ولی پس از صدور قرار بازداشت موقت، النهایه تصمیم نهایی قرار مجرمیت نبوده یا با وجود صدور قرار مجرمیت، این اتهام در دادگاه به حکم براءت منجر می‌گردد. طبق ماده ۲۵۹ قانون حاضر، جبران موضوع این ماده بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند» (Salimi & Bakhshi Zadeh Ahari, 2014).

با این وجود در خصوص جبران خسارت این اشخاص قانونگذار در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موادی را به عنوان شرایط و نحوه مطالبه جبران خسارت معین نموده است. «برای مثال مطالبه جبران خسارت بایستی ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی در قالب درخواست به کمیسیون استانی که متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدید نظر می‌باشد می‌بایست ارائه گردد؛ این کمیسیون در صورت احراز، شرایط حکم به پرداخت خسارت را می‌نماید» (Yazdanian, 2015). رسیدگی به این جبران خسارت در کمیسیون ملی جبران خسارت به عمل می‌آید و جبران خسارت اشخاص یا شخص بازداشت شده نیز بر عهده دولت است. با این وجود طبق ماده ۲۶۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ «شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های موضوع مواد (۲۵۷) و (۲۵۸) این قانون، به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». با این حال با وجود اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورخه ۹۴/۴/۱ می‌توان قانون کنونی را در مسئله جبران خسارت ناشی از بازداشت از تحولات عمیقی برخوردار دانست.

۱-۳- رویه قضایی

در راستای موضوع مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت در پرونده کیفری می‌توان به نمونه آراء مختلفی اشاره داشت که ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱- مطالبه خسارت ناشی از بازداشت در پرونده کیفری

در شماره دادنامه قطعی به شماره ۹۳۰۹۹۸۰۲۴۱۳۰۰۷۶۱ در مورخه ۱۳۹۴/۰۷/۲۵ به شرح ذیل در راستای موضوع مطالبه خسارت ناشی از بازداشت در پرونده کیفری رأی ذیل صادر یافته است:

رأی دادگاه بدوی: در خصوص دعوی آقای الف. با وکالت آقای ب. به طرفیت آقای ن. با وکالت آقای م. ک. دایر به مطالبه خسارت ناشی از اقدام خوانده به طرح شکایت از خواهان در پرونده کلاسه ۹۲/۶۵۵ شعبه ۱۰۵۱ دادگاه عمومی جزایی تهران که النهایه منجر به صدور حکم براءت خواهان از اتهام انتسابی سرقت گردیده است که خسارات وارده را منجزاً بیکاری حدود سه ماه به لحاظ بازداشت و هزینه کارشناسی به مبلغ بیست و چهار میلیون ریال برای ارزیابی وثیقه و نیز حق الوکاله وکیل مطابق تعرفه و خسارت معنوی که منجزاً الزام خوانده به درج آگهی در یکی از جراید مطالبه شده است. دادگاه با توجه به مراتب مذکور و محتویات پرونده دادرسی و نیز خلاصه پرونده استنادی خواهان به شماره بایگانی ۹۲۰۸۳۹ به شرح منعکسه در صورتجلسه مورخ ۹۴/۴/۰۸ این دادگاه اولاً نظر به اینکه بازداشت خواهان در جریان رسیدگی به اتهام وی در مرحله تحقیقات مقدماتی و شعبه ۱۰۵۱ دادگاه عمومی جزایی تهران ناشی از عمل مرجع قضایی بوده و شخصی خوانده رأساً اقدام به بازداشت وی ننموده تا از پس خسارات وارده در این خصوص برآید دعوی خواهان در این قسمت غیر ثابت تشخیص اما در خصوص پرداخت بیست میلیون ریال بابت دستمزد کارشناسی در جهت ارزیابی وثیقه معرفی شده و نیز پرداخت حق الوکاله وکیل برابر تعرفه که به میزان سه میلیون ریال می‌باشد و همچنین الزام به درج آگهی براءت خواهان از اتهام انتسابی در جراید به هزینه خوانده از بابت جبران خسارات معنوی وارده به وی دعوی خواهان ثابت تشخیص و ضمن صدور حکم به بطلان دعوی خواهان از حیث خسارات ناشی از بازداشت وی به مدت سه ماه مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی و اصل براءت و مستنداً به مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت بیست میلیون ریال بابت خسارت ناشی از دستمزد کارشناسی جهت ارزیابی مال معرفی شده به عنوان وثیقه و سه میلیون ریال بابت حق الوکاله وکیل در پرونده کیفری برابر تعرفه و نیز الزام خوانده به پرداخت هزینه نشر آگهی در جراید جهت درج آگهی رأی براءت خواهان از اتهام انتسابی به عنوان جبران ضرر معنوی و درج آگهی موصوف در جراید و نیز پرداخت خسارت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در پرونده حاضر مطابق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌شود و نسبت به مازاد آن حکم به بی حقی خواهان صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره حضوری محسوب و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.^۱

رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران: در خصوص تجدیدنظر خواهی آقای الف. با وکالت آقای ب. ج. ف. بطرفیت آقای ن. نسبت به دادنامه شماره ۴۱۵ مورخ ۹۴/۴/۲۵ موضوع پرونده کلاسه ۹۳۰۷۶۱ صادره از شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن حکم به بیحقی دعوی تجدیدنظرخواه بخواسته مطالبه خسارت ناشی از بازداشت صادر گردیده که حسب دلالت محتویات پرونده آقای ن. در اثر شکایت کیفری آقای تجدیدنظرخوانده بازداشت گردیده و النهایه حکم براءت وی صادر گردیده که مشارالیه مدعی است که در خلال رسیدگی به پرونده

^۱. رئیس شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران (ماندگار مشفق)

مذکور خساراتی را به جهت شکایت مذکور متحمل گردیده که چون مسبب آن آقای تجدیدنظرخوانده بوده باید نسبت به جبران خسارات مذکور اقدام نماید دادگاه بدوی دعوی خواهان را نسبت به قسمتی از خسارات وارده از قبیل هزینه کارشناسی تودיעی جهت توثیق وثیقه را مورد پذیرش قرار داده و حکم به محکومیت صادر و قسمت دیگر که مربوط به خسارات وارده ناشی از ایام بازداشت بوده را با استدلال به اینکه علت بازداشت خواهان ناشی از عمل مرجع قضایی بوده را موجه ندانسته و حکم به بی حقی وی صادر نموده است علیهذا صرف نظر از ماهیت دعوی مطروحه نظر به اینکه اساساً مطالبه خسارات ناشی از طرح شکایت کیفری بموجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خصوصاً خسارات ناشی از بازداشت توجهی به شاکی پرونده کیفری ندارد و به دلالت صریح مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ قانون مذکور و دلالت اصل مار الذکر مدعی می‌باید از طریق مراجعه به دولت درخواست جبران خسارت به شرح مذکور فاقد وجاهت قانونی بوده و مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظرخواسته را نقض و قرار رد دعوی را صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی است.^۱

نتیجه‌ای که می‌توان از آراء فوق‌الاشاره به دست آورد آن است که دعوی مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت از سوی متهمی که از اتهام تبرئه شده است، توجهی به شاکی پرونده کیفری ندارد و مدعی باید با مراجعه به دولت، درخواست جبران خسارت کند زیرا بازداشت، ناشی از عمل مرجع قضایی است.

۱-۳-۲- خسارت ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی بازنشسته و نحوه مطالبه خسارات ایام بازداشت

مطابق شماره دادنامه ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۸۰۰۰۰۷۲ مورخه ۱۳۹۴/۰۶/۳۰ در خصوص خسارت ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی بازنشسته و نحوه مطالبه خسارات ایام بازداشت موقت می‌توان به آراء ذیل اشاره داشت:

خلاصه رأی جریان پرونده: حسب محتویات پرونده آقای ب. ص. به اتهام قتل عمدی الف. الف. تحت تعقیب دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان س. قرار گرفته است دادسرا پس از تحقیق و صدور قرار مجرمیت طی کیفرخواست تقاضای تعیین مجازات متهم را از دادگاه کیفری یک آن زمان نموده و پرونده به شعبه ۱۳ کیفری یک ارجاع و سپس با تغییر سیستم قضایی پرونده به شعبه چهارم دادگاه عمومی س. ارجاع شده است و سپس تقاضای احاله پرونده به ک. شده و با این تقاضا موافقت شده و پرونده به شعبه اول دادگاه عمومی ک. ارجاع شده است و دادگاه مرجوع‌الیه پس از رسیدگی حکم برائت متهم را صادر نموده است اولیاءدم به حکم صادره اعتراض نموده و شعبه بیستم دیوان عالی کشور طی رأی شماره ۱۳۷۷/۱۱/۲۸-۲۰/۷۴۴ به علت نقص تحقیقات حکم صادره را نقض و پرونده را برای رفع نقائص به دادگاه صادرکننده رأی ارسال داشته است. پس از اعاده پرونده دادگاه اقداماتی را در رفع نقص انجام و سرانجام حکم برائت صادر و اولیاءدم به این حکم نیز اعتراض و این شعبه طی رأی شماره ۱۳۸۰/۵/۳۱-۲۰/۲۷۴ موضوع را از باب مدعی و منکر تشخیص و پرونده را به منظور اقدام نسبت به موضوع حق استحلاف اولیای دم به دادگاه اعاده داده است با تشکیل چند جلسه و عدم حضور کلیه اولیاء دم موفق نشده به کلیه اولیای دم این حق را تفهیم نماید اما به عده‌ای از آن‌ها که در جلسه حضور داشته‌اند تفهیم شده قبول نکرده و سوگند مطالبه نکرده‌اند سپس دادگاه طی رأی شماره ۱۳۸۴/۱۰/۲۸-۶۸۵ اعلام نموده با توجه به نقض رأی شعبه به لحاظ عدم اجرای حق استحلاف اولیای دم جهت رفع نقص با تعیین وقت رسیدگی اختطاریه جهت اولیای دم با درج دستور جلسه صادر مع الوصف حضور یافته‌اند به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و فتوای مقام معظم رهبری قرار توقف رسیدگی صادر می‌گردد. اولیای دم به این رأی اعتراض کرده و شعبه

۱. شعبه ۴۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستشاران (عبدالعلی اسدی تپله نویی - حمید سلیمانی)

بیستم دیوان عالی کشور طی رأی شماره ۲۰/۴۰-۱۳۸۶/۱/۲۹ رأی صادره را نقض و پرونده به دادگاه صادرکننده رأی ارسال تا مجدداً به اولیای دم اخطار شود در دادگاه حاضر شده و نسبت به حق استحقاق خود اقدام نمایند. پس از وصول پرونده به شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی ک. دادگاه وقت رسیدگی تعیین و اولیای دم دعوت و در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۹/۰۷ دادگاه حاضر شده و اظهار داشته‌اند که سوگند متهم را قبول ندارند و ادای آن را از طرف متهم تقاضا نمی‌کنند. سپس دادگاه طی دادگاه شماره ۱۳۸۶/۹/۰۷-۵۸۸ مستنداً به اصل یکصد و هفتم قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و فتوای مقام معظم رهبری قرار توقف رسیدگی به دعوا صادر نموده است. اولیای دم به رأی صادره اعتراض و شعبه بیستم دیوان عالی کشور به موجب رأی شماره ۱۳۸۷/۸/۲۷-۴۵۵/۲۰ رأی را ابرام نموده است آقای ب. ص. دادخواستی به خواسته مطالبه خسارت ایام بازداشت حدود هفتاد و هشت ماه به مبلغ ۵۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به طرفیت آقای ش. ن. قاضی ... به دادگستری شهرستان س. تقدیم و در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۰۸ به شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی س. ارجاع شده است. شعبه مرجوع‌الیه طی رأی شماره ۱۳۹۴/۴/۱۳-۹۴۰/۰۷۷ اعلام کرده نظر به اینکه سمت خواننده دعوی توسط خواهان قاضی دادگاه اعلام شده و به موجب ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ رسیدگی به دعاوی ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران می‌باشد علی‌هذا این مرجع خود را صالح به رسیدگی ندانسته مستنداً بماده ۲۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت و شایستگی محاکم عمومی شهرستان تهران صادر و اعلام می‌نماید پس از وصول پرونده به دفتر کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران به شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی مستقر در مجتمع شهید مفتاح ارجاع و شعبه مرجوع‌الیه طی رأی مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ اعلام کرده قطع نظر از اینکه این شعبه دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از اشتباه و تقصیر قضات کل کشور است ولیکن ادعای خواهان به دو دلیل قانونی قابل رسیدگی در این دادگاه نیست اولاً دعوی مطروحه زمانی قابل رسیدگی است که قاضی به موجب ماده ۲ قانون مذکور شاغل باشد با توجه به بازنشسته بودن خواننده موضوع ادعا منصرف از مقررات مذکور است. در ثانی به دلالت مواد ۲۵۵ به بعد قانون آئین دادرسی کیفری جدید مطالبه خسارت ایام بازداشت بایست به طرفیت دولت اقامه گردد و موضوع در صلاحیت کمیسیون استانی متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان محل می‌باشد لذا دادگاه بنا به مرآت موصوف صلاحیت به رسیدگی نداشته به استناد مواد مذکور قرار عدم صلاحیت به شایستگی کمیسیون رسیدگی کننده موضوع ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری جدید (استان سنج) صادر و اعلام می‌دارد. سپس در اجرای ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پرونده به منظور تشخیص مرجع صالح به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده است هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از گزارش آقای محمد ناصری صالح آباد عضو ممیز و نظریه کتبی جناب آقای دکتر رفیعی دادیار محترم دیوان محترم عالی کشور مبنی بر معتقد به صلاحیت رسیدگی کمیسیون استانی موضوع ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشم مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد: رأی شعبه دیوان عالی کشور: اولاً: استدلال اول شعبه ۲۰۶ دادگاه عمومی تهران دایر بر اینکه «دعوی مطروحه زمانی قابل رسیدگی است که قاضی به موجب ماده ۲ قانون مذکور شاغل باشد با توجه به بازنشسته بودن خواننده موضوع ادعا منصرف از مقررات مذکور است» موجه نیست زیرا حسب مفاد ماده ۲ قانون نظارت بر رفتار قضات، قضاتی مشمول این قانون هستند که به حکم رئیس قوه قضاییه به سمت قضائی منصوب می‌شوند و شرط شاغل بودن در زمان مطالبه خسارت موضوع ماده ۳۰ قانون از این ماده استنباط نمی‌شود. ثانیاً - حسب مفاد ماده ۲۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ دعوی مطالبه باید به طرفیت دولت مطرح گردد و مرجع رسیدگی به این دعوی کمیسیون استانی

موضوع ماده ۲۵۷ قانون مذکور است. لذا به استناد ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صلاحیت کمیسیون استانی دادگستری کل استان ک. اعلام نظر می‌گردد.^۱

به طور کلی رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر تمامی قضاتی که به حکم رئیس قوه قضاییه به سمت قضایی منصوب می‌شوند در صلاحیت دادگاه‌های عمومی تهران بوده و شاغل بودن قاضی در زمان مطالبه خسارت شرط نیست و دعوی مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت باید به طرفیت دولت مطرح گردد.

۲- قلمرو تقنینی نظام جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق فرانسه

جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در حقوق فرانسه، ابعاد مختلفی را به خود دیده است؛ کمیسیون ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در فرانسه، هزینه‌های حمل و انتقال اثاثیه در موردی که شخص (مستأجر) به دلیل بازداشت ناگزیر به تحویل عین مستأجره و نقل مکان گردیده را به‌عنوان خسارت ناشی از بازداشت موقت قابل جبران دانسته است. بر اساس رویه کمیسیون ملی جبران خسارت در فرانسه، شخص بازداشت‌شده می‌تواند خسارت ناشی از دست دادن شانس را در فرض جدی بودن آن، مطالبه نماید. در این صورت، میزان خسارت بر اساس شانس از دست‌رفته محاسبه می‌شود و نه منفعتی که در صورت از دست نرفتن شانس و تحقق آن، به دست می‌آمد. این کمیسیون در یکی از آراء خود، محروم شدن شخص از شرکت در آزمون یا دوره علمی را به دلیل بازداشت موقت، از دست دادن شانس دانسته و خسارت ناشی از آن را قابل مطالبه اعلام نموده است. افزون بر این، در حقوق فرانسه، اگر بازداشت موجب شود که شخص شغل خود را به‌واسطه غیبت از دست بدهد، درآمد مدت بازداشت و نیز درآمد متناسبی تا زمان یافتن شغل به وی تعلق می‌گیرد.

آیین رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در قانون جدید آیین دادرسی کیفری کشورمان از مواد ۱۴۹-۱۵۰ ق.آ.د.ک.ف اقتباس شده است، با این‌همه، تفاوت در سازمان قضایی ایران و فرانسه موجب شده تا نویسندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری کشورمان تغییراتی را در برخی از مقررات از جمله مرجع نخستین رسیدگی ایجاد نمایند. در فرانسه بر اساس ماده ۱-۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، رئیس دادگاه تجدیدنظر حوزه قضایی که قرار منع یا موقوفی تعقیب یا رأی برائت در آن حوزه صادر شده است، به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌نماید. در واقع در حقوق فرانسه، رئیس دادگاه تجدیدنظر اصولاً رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر شناخته نمی‌شود و قانون، صلاحیت‌های جداگانه‌ای را به وی اعطا نموده است. رئیس دادگاه تجدیدنظر از جمله، صلاحیت رسیدگی به درخواست اجرا یا توقف اجرای موقت رأی، رسیدگی به اعتراض به برخی از تصمیمات رئیس کانون وکلا نسبت به وکلا و رسیدگی به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت را به عهده دارد (ماده ل ۷-۳۱۱ قانون سازمان قضایی فرانسه) (Shaigan & Ashuri, 2018).

در نتیجه در حقوق فرانسه، «زمانی که ادعای جبران خسارت ناشی از بازداشت‌های قانونی از متهم شنیده می‌شود که اولاً تعقیب کیفری به منع تعقیب یا برائت قطعی او منتهی شده باشد و ثانیاً نه تنها ایجاد ضرر کرده باشد، بلکه این ضرر ظاهراً غیرعادی و از اهمیت خاصی برخوردار باشد» (Dehghani Pour, 2023). در حقوق فرانسه نیز مدت شش ماهه در جهت درخواست جبران خسارت پیش بینی شده است و با توجه به سکوت قانونی، زمان آگاهی فرد از حکم را معیار آغاز این مدت دانسته‌اند و رویه قضایی نیز آن را تأیید نموده است (Bouloc, 2012). از جهاتی در این کشور، جبران خسارت ناشی از بازداشت دارای شرایطی همچون قابلیت جبران خسارت است (Rebois, 2015).

^۱ رئیس و عضو معاون شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور (محمد ناصری صالح آباد - حمید دلیر)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه جبران خسارت ایام بازداشت موقت چه به اشتباه و چه به صورت عمدی در قوانین ایران سابقه‌ای نداشته و با توجه به مصوبات قانونگذار در قوانین کیفری همچون قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در سال‌های اخیر به عنوان تحول و رویکرد تقنینی مطرح گردیده و جبران خسارت اشخاص بازداشت شده همان شرایط مسئولیت مدنی را در بر دارد که دولت موظف به پرداخت خسارت آن است، در حقوق فرانسه از سابقه‌ی نیم قرن بر خوردار بوده اما همچون حقوق ایران دارای چالش‌های تقنینی است. شرایط و نحوه جبران خسارت ایام بازداشت را قانونگذار در ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری عنوان داشته، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علتی بازداشت شوند، در صورت صدور حکم براءت آن‌ها از سوی مراجع قضایی، می‌توانند خسارت ایام بازداشت خود را از دولت مطالبه کنند. این موضوع تبیین‌گر قلمرو تقنینی موضوع جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت است و احکام نظام مسئولیت مدنی و جبران خسارت بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی کیفری (همچون ماده ۱۴ این قانون) حاکم است. در حقوق فرانسه گستره جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت دارای گستره‌ی وسیعی است برای مثال به موجب ماده ۱۰-۱۴۲ «احکام و شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نسبت به قرار تأمین ناظر به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده نیز مجری می‌باشد». البته در راستای شرایط حاکم بر جبران خسارت و نحوه‌ی پرداخت خسارت می‌بایست به قوانین خاص همچون قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی و خود قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه نمود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The principle of presumption of innocence stands as a cornerstone in judicial security, emphasizing the protection of social order and the dignity of individuals. This principle not only underscores the fundamental rights of individuals within the legal system but also places significant responsibilities on law enforcement and judicial authorities to maintain public tranquility and prevent societal disorder. Law enforcement agencies, while committed to upholding this principle, retain the authority to detain individuals under suspicion, balancing the need for public safety with the imperative to safeguard individual freedoms. However, when wrongful detention occurs—where an individual is unjustly apprehended and later exonerated—the consequential question arises: what remedies are available to compensate for the material and moral damages inflicted upon the wrongfully detained individual? Addressing this issue, particularly through a comparative lens, is crucial for understanding the approaches of different legal systems, notably those of Iran and France, in rectifying injustices arising from unlawful detentions (Moghaddasi & Rezaghali Zadeh, 2018).

In examining the jurisprudential and legislative frameworks governing compensation for wrongful detention in Iran, it becomes evident that both realms play pivotal roles in shaping the remedies available to aggrieved individuals. From a jurisprudential perspective, Islamic legal principles

emphasize the severe consequences of judicial errors, reflecting a profound concern for the non-recoverable damages that wrongful detention can inflict on individuals. Prophetic traditions (hadith) strongly condemn judicial mistakes, equating them with acts of disbelief (Horr Amili, 1988). To mitigate such risks, Islamic jurisprudence prescribes various safeguards, including the presence of knowledgeable individuals in the courtroom to alert judges to potential errors and discourages judicial deliberations under conditions that may impair judgment, such as anger or distress (Najafi, 1981). These measures align with broader civil responsibility principles, such as the rules against causing harm and ensuring respect, which collectively uphold the accountability of judicial authorities in cases of wrongful detention.

Legislatively, Iran has made significant strides in codifying the responsibilities of judicial officials concerning wrongful detention. Article 171 of the Iranian Constitution explicitly addresses judicial errors, mandating that the state compensates individuals who suffer material or moral damages due to judicial negligence or mistakes. The Criminal Procedure Law of 1392 further elaborates on this framework, specifying that wrongful detention—resulting in a final acquittal or a dismissal of prosecution—entitles individuals to seek compensation from the state (Khaleqi, 2014). This legislative provision delineates the conditions under which compensation is warranted, emphasizing that only final and conclusive judgments of innocence or non-prosecution render a detainee eligible for redress. Moreover, procedural guidelines mandate that compensation claims must be filed within six months of the final judgment, reinforcing the importance of timely legal recourse (Shaigan & Ashuri, 2018).

Judicial practice in Iran reveals a nuanced approach to adjudicating compensation claims arising from wrongful detention. Case law illustrates the judiciary's efforts to balance individual rights with procedural safeguards designed to prevent judicial overreach. For instance, in a definitive case (Case No. 9309980241300761, dated 25/07/1394), the Tehran General Criminal Court ruled in favor of a plaintiff who was wrongfully detained, awarding compensation for lost wages, legal fees, and moral damages. This decision underscored the court's recognition of the state's liability in instances of wrongful detention and its commitment to providing comprehensive remedies to affected individuals. Conversely, appellate courts have occasionally dismissed claims where the wrongful detention was deemed a result of legitimate judicial action, highlighting the courts' stringent criteria for establishing state responsibility (Marashi, 1994). These judicial decisions reflect an ongoing dialogue between legislative intent and judicial interpretation, shaping the evolving landscape of compensation law in Iran.

Comparatively, the French legal system presents a more established framework for addressing wrongful detention, with institutional mechanisms in place for compensating individuals unjustly deprived of their liberty. The National Commission for Compensation of Wrongful Detentions in France recognizes various forms of damages, including costs associated with relocation due to detention and loss of educational or professional opportunities. French jurisprudence allows for the calculation of damages based on the loss of chance, reflecting a sophisticated understanding of non-material harms (Bouloc, 2012; Rebois, 2015). Additionally, French law stipulates that individuals who lose their jobs as a result of detention are entitled to compensation for lost wages and reasonable income until new employment is secured. This comprehensive approach underscores France's commitment to mitigating the adverse effects of wrongful detention through robust legal remedies and institutional support (Dehghani Pour, 2023).

The procedural aspects of compensation claims in France are well-defined, with specific statutes outlining the avenues for redress. Under Article 1-149 of the French Code of Criminal Procedure,

individuals seeking compensation must engage with designated judicial authorities, such as the Court of Appeals, to initiate their claims. The French legal system distinguishes between different types of detention-related damages, providing tailored remedies that address both material and non-material losses. For example, the law explicitly includes provisions for compensating individuals for the inability to participate in academic or professional activities due to detention, highlighting the system's recognition of the multifaceted impacts of wrongful detention (Shaigan & Ashuri, 2018). Furthermore, the French approach allows for the extension of compensation beyond mere financial losses, encompassing broader aspects of personal and professional disruption, thereby offering a more holistic remedy for wrongfully detained individuals.

In conclusion, the comparative analysis of Iranian and French legal systems reveals significant differences and similarities in addressing compensation for wrongful detention. Iran's recent legislative developments, particularly the Criminal Procedure Law of 1392, mark a progressive shift towards recognizing and remedying the harms of wrongful detention, aligning with broader civil responsibility principles. However, challenges remain in the practical implementation and judicial interpretation of these laws, necessitating ongoing legal reforms and judicial training to ensure effective redress for affected individuals. In contrast, France's long-established mechanisms for compensation offer a more mature and comprehensive framework, reflecting decades of legal evolution and institutional refinement. Both legal systems underscore the critical importance of safeguarding individual rights against judicial errors, highlighting the universal imperative to balance state authority with personal freedoms. Future research and comparative studies can further elucidate best practices and inform legal reforms aimed at enhancing judicial accountability and protecting the dignity of individuals within the legal process.

References

- Bouloc, B. (2012). *Procédure pénale*. Dalloz.
- Dehghani Pour, M. (2023, 2023-10-14). Compensation for Damages Arising from the Detention of Innocent Defendants from the Perspective of Private Law. Mashhad.
- Horr Amili, M. i. H. (1988). *Wasa'il al-Shi'ah ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah* (Vol. 18). Al al-Bayt Institute.
- Khaleqi, A. (2014). *Notes on the Code of Criminal Procedure*. Shahr-e Danesh Publications.
- Marashi, M. H. (1994). *New Perspectives in Islamic Criminal Law*. Mizan Publications.
- Moghaddasi, M. B., & Rezaghali Zadeh, E. (2018). Compensation for Innocent Defendants Detained in the Criminal Justice Systems of Iran and France. *Journal of Criminal Law Research*, 6(23), 81-111.
- Mousavi Khomeini, R. (1989). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Imam (RA) Publications and Printing Institute.
- Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam* (Vol. 40). Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- Rebois, J. (2015). *Procédure pénale*. Litec.
- Sadeghi Ziazi, H., & Ebrahimi Manesh, M. (2014). The Right to Freedom and Personal Security in International Human Rights Instruments and Iranian Law (With a Look at Innovations in the Code of Criminal Procedure). *Journal of Comparative Legal Studies*, 5(1), 171-190.
- Salimi, S., & Bakhshi Zadeh Ahari, A. (2014). *Article-by-Article Analysis of the Code of Criminal Procedure 2014*. Jangal/Javdaneh Publications.
- Shaigan, E., & Ashuri, M. (2018). The Legal System of Compensation for Damages Arising from the Detention of Innocent Defendants (A Study in Iranian and Comparative Law). *Journal of Criminal Law Research*, 6(23), 47-79.
- Yazdani, M. R. (2015). Innovations in the New Code of Criminal Procedure Regarding Detention Orders: A Comparative Perspective. *Journal of Detective*, 2(31), 37-47.